

دریاسالارشناور

جمعی از اعضای باشگاه کارآگاه بازی: آگاتا کریستی، دوروتی ال. سایرز، جی. کی. چسترین و ...

ترجمه: شهریار وقفی پور

www.ketab.ir



عنوان و نام پدیدآور: دریا سالار شناور / نوشته جمعی از اعضای باشگاه کارآگاه بازی ...؛
ترجمه شهریار وقفی پور.
تهران: نشر هنوز، ۱۳۹۴.
۳۱۰ ص.
۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۰۴۷ - ۰۳ - ۴
شابک: مشخصات نشر: مشخصات ظاهری:

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: The Floating Admiral, 1979. عنوان اصلی:
موضوع: داستان های انگلیسی -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده: وقفی پور، شهریار، ۱۳۵۶ - مترجم
شناسه افزوده: باشگاه کارآگاه بازی
شناسه افزوده: Detection Club
رده بندی کنگره: PZ ۲۰۰۸ ۱۲۱۴
رده بندی دیویی: ۸۱۱ / ۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۹۰۰۱۲

دریا سالار شناور
نویسندگان: جمعی از اعضای باشگاه کارآگاه بازی، از جمله آگوستا ریست، دوروتی ال. سایرز، جی. کی. چسترتن
مترجم: شهریار وقفی پور
ویراستار: فاطمه زمانی

چاپ اول، بهار ۱۳۹۶
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

طراحی کتاب: استودیو کارگاه - محیا کتابچی

تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. هرگونه استفاده از متن این کتاب منوط به اجازه کتبی ناشر است.
نشر هنوز، تهران، صندوق پستی ۱۴۸۶-۱۹۳۹۵

www.hanooz.pub *** info@hanoozpub.com

۹	پیش‌گفتار: دریا سالار شناور
	دوروتی ال. سایرز
۱۵	درآمد: سه چرت نشنگی
	جی. کی. چسترتن
۲۱	فصل اول: جسد!
	کانن ویکتور ال. وایت چرچ
۳۵	فصل دوم: اعلان اخبار
	جی. ای. وام. کول
۵۳	فصل سوم: افکار روشن در فراز و فرود
	هنری رید
۷۱	فصل چهارم: حرف دستر
	آگاتا کریستی
۸۱	فصل پنجم: بازرس راج فرضیه بردازی می‌کند
	جان راد
۹۷	فصل ششم: بازرس راج منصوب می‌شود
	میلوارد کندی
۱۱۷	فصل هفتم: بازرس در برابر ضربات نامرئی پیایی
	دوروتی ال. سایرز
۱۵۹	فصل هشتم: سی‌ونه عنوان شک
	رانلد ای. ناکس
۱۹۷	فصل نهم: مهمان شبانه
	فریمن ویلس کرافتس
۲۲۱	فصل دهم: سیفون
	ادگار چپسن
۲۲۹	فصل یازدهم: در خانه کشیش
	کلمنس دین
۲۳۹	فصل دوازدهم: برچیدن معرکه
	آنتونی برکلی
۳۰۷	نقشه
۳۰۹	فهرست نام‌ها

پیش‌گفتار: دریا سالار شناور دوروتی ال. سایرز

وقتی از افراد رسمی خواسته می‌شود عقیده‌شان را در مورد کارآگاهان بزرگ عالم ادبیات بیان کنند، اغلب با چاشنی لبخند از سر مهر می‌گویند: «صد البته حکایت ما با آن‌ها توفیر دارد. نویسنده از پیش می‌داند کار چه کسی بوده است و این کارآگاهان بزرگ فقط باید سرنخ‌هایی را جمع کنند که برای‌شان چیده می‌شود»؛ بعد لطف کرده، می‌افزایند: «خیلی هم عالی، منظره‌ای نابی است که این نویسنده‌ها سراغش می‌روند، ولی به نظر ما که بعید است در واقع هم از پس این کار برآیند.»

در این گفته‌ها چه بسا حقیقتی باشد؛ به هر تقدیر به راحتی هم نمی‌توان از آن‌ها مناقشه کرد. اگر می‌شد فی‌المثل آقای جان راد را راضی ساخت با یکی از روش‌های ساده‌خلاقانه که خیلی راحت در داستان ابداع می‌کند مرتکب جنایتی واقعی شود، و اگر محض نمونه، آقای فریمن ویلز کرافتس تعقیب ایشان را تقبل کند، و کتابچه برنامه قطارها از استرن‌ر تا سن ژون-لو-پن هم موجود باشد، آن وقت حقیقتاً می‌توان این ادعا را محک زد؛ اما نویسندگان داستان‌های کارآگاهی، عمدتاً اهل

قتل و خون‌ریزی نیستند. آن‌ها از خشونت جسمانی پرهیز می‌کنند، به دو دلیل: اول این که چون جنایت‌پیشگی‌شان به نحو اکمل و اعلا روی کاغذ خالی می‌شود، دیگر رمقی برای‌شان نمی‌ماند که در عمل آبی ازشان گرم شود؛ و دوم این که خودشان هم باورشان شده قاتل ساخته شده که لو برود و بالطبع قلباً رغبتی برای به فعل درآوردن نظریات جنایی‌شان ندارند؛ و اما شقی ایفای نقش کارآگاه در عالم واقع: حقیقت مران که اندک‌شماری از آن‌ها وقت این کارها را داشته باشند، چراکه بخت بلند ریمسی یا بدر براون نصیب‌شان نشده که ندانند با این همه فراغت و سرپی سواد چه کنند. مجبورند مثل دیگر بندگان عادی خدا، معقول پی‌کاری باشند که گرسنه نمایند.

با این توصیف، بهترین دایمی که برای مسابقه‌راستین می‌ماند، بازی منصفانه است و کتاب دریاسالار شناور در آگاه‌بازی‌ای است روی کاغذ که میان شماری از خود اعضای باشگاه کارآگاه‌بازی صورت گرفته است؛ و حالا شاید پرسیده شود که این باشگاه کارآگاه‌بازی دیگر چه صیغه‌ای است؟

این باشگاه، کانون مستقل پلیسی‌نویسر مالی-بیتانیای کبیر است که هدف از تأسیس آن عمدتاً گرد هم آمدن در فواصل مقتضی برای صرف شام و گپ‌وگفت کاری الی ماشاءالله است. نه هیچ وابستگی به بنگاه استشاراتی داشته، نه اساساً با مسائل مالی سروکار دارد، اگرچه اقدام مخاطره‌آمیز حاسراً به جو طبع سپردن به سودای کسب پول حلال است. این باشگاه کمیته‌دآوری برای تابع با توصیه کتاب‌های اعضا یا دیگران هم نیست، و مخلص کلام، هیچ هدفی ندارد جز التذاذ محض برای اعضا. عضویت در کانون نیز منحصر به افرادی است که داستان‌های

۱. معمول آن است که به Detective کارآگاه گفته می‌شود و در این‌جا به‌ناچار برای عمل این شخص، یعنی Detection، معادل «کارآگاه‌بازی» گذاشته شد. کاوه میرعباسی دومی را کنکاش می‌گذارد و اولی را کنکاشگر که اگرچه دقیق است، در هر حال، انتخاب مترجم حاضر نیست. در ادامه نیز Detection Club «باشگاه کارآگاه‌بازی» آورده شده است. - م.

کارآگاهی راستین (نه حکایات ماجراجویی یا همان «تریلر») نوشته‌اند و پذیرش آن متضمن توصیه دست‌کم دو عضو و منوط به رأی باشگاه و تعهد به سوگندنامه است. از آن جا که حتی شیرژیان هم نتواند از من کلمه‌ای در افشای مناسک و شعائر رسمی باشگاه کارآگاه‌بازی بیرون بکشد، شاید اشاره‌ای در تناسب با این تعهد مجاز باشد. خلاصه کلام این که تعهد مذکور چیزی از این دست است: نویسنده بر ذمه خود می‌داند که با خواننده و با نویسندگان هم‌کیش خود صادق باشد و قواعد این بازی را رعایت کند. کارآگاهان نویسنده باید با قوای عقلانی خود پیش بروند و به حل معما برسند بدون یاری بخت و تصادف و اتفاق؛ نویسنده نباید اشعه مرگبار یا سم مهلکی از صندوق اسرار اند که به راه‌حلی که به عقل هیچ بنی‌بشری نمی‌رسد بینجامد؛ او باید تا آن اندازه می‌خواند به انگلیسی فصیح بنویسد. او موظف است که در مورد پی‌رنگ‌ها و عناوین آتی نوشته‌های اعضا پیمان مقدس رازداری را حفظ کند و نباید هیچ‌گونه کمکی را که در توانش است از اعضایی دریغ دارد که در نکات فنی کار خویش نیاز به راهنمایی دارند. اگر پرس سازمان ظاهراً سبک‌سرانه باشگاه کارآگاه‌بازی نیت جدی‌ای باشد، تداوم داستان کارآگاهی مطابق با والاترین معیاری که از ماهیت آن سرچشمه می‌گیرد، و در عین حال، رد ساختن از میراث ناپسند احساساتی خام، مهمل‌بافی و مغلق‌گویی‌ای که به شکل شش‌پایه، از گذشته بر آن بار شده است.

اینک، سخنی هم در باب شروط و قیدهایی که دریا سالا رشناور تحت آن‌ها به گردش درآمده است. این جا، مسئله پرداختن به مسئله کنکاش یا کارآگاهی‌گری‌ای بود که تا حد ممکن به واقعیت نزدیک باشد و از روند عملی و فرآیندهای واقعی آن تبعیت کند. به جز درآمد گویا و تأثیرگذار آقای چستر تن که آخر سر نوشته شده است، هر یک از نویسندگان معماران آن جایی پی گرفته است که فصول پیشین برابری برپا داده‌اند، بدون کوچک‌ترین اطلاع از راه‌حل یا راه‌حلی که نویسندگان قبلی در ذهن

پرداخته‌اند. تنها دو قاعده اعمال شده است. هر نویسنده باید سهم یا فصل خود را با مجال راه‌حلی مشخص شکل دهد: یعنی حق ندارد پیش‌های تازه‌ای را به‌صرف «دشواری ساختن» وارد کند. او باید آماده باشد که عندالمطالبه سرنخ‌های مختص خود را به‌شکلی منسجم و ملموس تشریح کند و اطمینان حاصل سازد که از این لحاظ قواعد را رعایت کرده، منصفانه بازی می‌کند، در ضمن تمامی نویسندگان مقید هستند، همراه با دست‌نویس فصل خویش، راه‌حل پیشنهادی برای معمای حاضر را نیز ارائه کنند. این راه‌حل‌ها برای اطلاع خواننده کنجکاو در پایان کتاب آمده‌اند.

در نازنی، تک‌نویسندگان باید با تمامی دشواری‌هایی که متقدمانش برای گمانه‌زنی و ملا غله پیش نهاده‌اند، با وفاداری و تعهد برخورد کنند. اگر الما با عشق و ازدواج خود با «رری غریب تردید و دودلی نشان داده یا قایق سروه در قایق‌خانه گذاشته شده باشد، این واقعات باید بخشی از راه‌حل او را شکل دهند. او حق ندارد این واقعیات را به‌عنوان صرف تصادفات با بوالهوسی کنار بگذارد یا راه‌حلی ارائه دهد که با آن‌ها ناهمخوان باشد. طبیعت در طول زمان، هر چه سرنخ‌ها بیشتر می‌شدند، راه‌حل‌های پیشنهادی نیز پیچیدگی و وضوح بیشتری می‌گرفتند، در عین حال، طرح کلی بی‌رنگ نیز به تدریج قوام بیشتری می‌گرفت و رسد بهتری می‌شد. با این حال، اشاره به شمار حیرت‌آور تفاسیری که در توجیه عادی‌ترین اعمال طرح می‌شدند مفرح و آموزنده است. جایی که نویسنده‌ای سرنخی پیش می‌نهد، با این فکر که تنها به یک جهت بدیهی اشاره دارد، نویسندگان تالی‌اش توانسته‌اند آن‌ها را به جهتی کاملاً متضاد متوجه کنند؛ و احتمالاً همین جاست که بازی مذکور به زندگی واقعی بیشترین تقارب را می‌یابد. ما بنابه اعمال بیرونی مان، یکدیگر را مورد قضاوت قرار می‌دهیم، حال آن‌که در مورد انگیزه زیربنایی آن‌ها ممکن است قضاوت مان به کلی به خطا رفته باشد. ما که دل مشغول تفسیر شخصی خود از موضوع هستیم، احتمالاً تنها یک نیت را پس پشت عمل می‌بینیم و از همین رو، راه‌حل مان می‌تواند کاملاً

ملموس، کاملاً منسجم و منطقی و در عین حال، کاملاً اشتباه باشد؛ و این جا احتمالاً ما نویسندگان داستان کاراگاهی توانسته باشیم هم خود و هم یکدیگر را به شکلی تمام عیار شگفت زده و مبهوت سازیم. ما زیاده از حد با این موضوع شوکرده ایم که کاراگاه بزرگ سرخوشانه بگوید: «نمی توانی ببینی، واتسن عزیز که این واقعیات تنها یک تفهیم را برای تو پدید می آورند؟» بعد از تجربه ما در باب دریا سالار شناور، کاراگاهان بزرگ ما ممکن است بفهمند که باید یاد بگیرند با خویشتن داری و احتیاط بیشتری خود را به نمایش بگذارند.

حال این که برای ما که ما ای سرگرمی خود به راه انداخته ایم بتواند دیگران را نیز سرگرم کند قضایای سخت و پیچیده را بتواند. ما را تنها توان آن است که آسوده خاطرش سازیم که این بازی صادقانه مطابق با قواعد اجرا شده است، همچنین با تمامی نیرو و اشتیاقی که بازیگران چگونه می کنند. دانستند. از جانب خودم بگویم، بهت و پریشانی نزدونی ای که خود را سرگرم دریافت دسته معماهای دشوار آقای میلوارد کندی گرفتار آن دیدم، علی الظاهر، به کل معالمان است با احساس توان فرسای آشفته گی و سردرگمی ای که بر پدر رانلد ناکس مسخر می شود. و من آن که مشتاقانه تصور می کردم، مسئله را باز دودن تقریباً همه ابهامات تحویلش داد. این که آقای آنتونی برکلی، از طریق راه حل نهایی، با چه طراوت و نشاطی زد و بند را را نشانی کرد و ترفندهای شیطنت آمیز ما را نقش بر آب ساخت باید تاحدی به تیزهوشانی بازی اش نسبت دهم و تاحدی هم به استنتاج نیرومند سه مشکل گشا که بسیاری از واقعیات و انگیزه هایی را که ما پیش تر در ظلمت کورمال کورمال جسته بودیمش، بی آن که چیزی از آن بدانیم کشف کرده بودند. لیکن به نظر من، هیچ یک از ما بد همراهان نویسنده خویش را نخواهیم و دشمنی مان تنها با هوس بازی های رود وین باشد که تحت هدایت داستان توانمند آقای هنری وید و آقای جان راد، دو اختر تابناک آب هایش، میان کرانه های پوشیده در گُلش جسد دریا سالار شناور را در آرامش تمام می برد.